اخبار

تسهیل انتقال طارمی به پورتو با تعویق دیدارهای انتخابی جام جهانی

مهدی طارمی به احتمال فراوان هفته آینده به قهرمان لیگ برتر پرتغال خواهد پیوست. به گزارش روزنامه ورزشی «Record» پرتغال، مهدی طارمی، مهاجم ریوآوه به دنبال تعویق دیدارهای انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ در قاره آسیا به دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم حضور در اردوی تیم ملی فوتبال ایران، می‌تواند با آرامش و در فرصت زمانی مناسب به تیم جدیدش یعنی پورتو بپیوندد. بر اساس این گزارش، طارمی هفته آینده به تیم پورتو خواهد پیوست. این تیم در فصل گذشته لیگ برتر پرتغال قهرمان شد و به مرحله گروهی فصل آینده لیگ قهرمانان اروپا راه یافت. مهدی طارمی در نخستین فصل حضورش در فوتبال پرتغال ۲۱ گل برای ریوآوه در ۳۷ بازی به ثمر رساند.

گل علی دایی به کره‌جنوبی نامزد بهترین گل تاریخ جام ملت‌های آسیا

یکی از به یاد ماندنی‌ترین گل‌های مهاجم سابق تیم ملی ایران در فهرست نامزدهای کسب بهترین گل تاریخ جام ملت‌های آسیا قرار گرفته است. سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا در ادامه معرفی بهترین گل‌های تاریخ جام ملت‌های قاره کهن، به گلی که علی دایی، کاپیتان و مهاجم سابق تیم ملی ایران ۲۶ آذر سال ۱۳۷۵ مقابل کره‌جنوبی به ثمر رساند اشاره کرده است. در آن بازی از مرحله یک‌چهارم نهایی جام ملت‌های آسیا، دایی زمانی که نتیجه بازی ۲-۲ مساوی بود، یک توپ ارسال از جناح راست را پشت محوطه جریمه دریافت کرد و بلافاصله آن را به تور دروازه حریف چسباند به طوری که حتی دروازه‌بان حریف فرصت واکنش پیدا نکرد. آن نخستین گل از ۴ گلی بود که دایی در آن مسابقه به ثمر رساند و باعث پیروزی ۶ بر ۲ تیم ملی کشورمان به عنوان یکی از قاطعانه‌ترین بردهای تاریخ ایران مقابل کره‌جنوبی شد. دیگر بازیکن ایرانی که گلش نامزد کسب عنوان بهترین گل تاریخ جام ملت‌های آسیا شده، سردار آزمون است که رقیبش در نظرسنجی سایت AFC، ژائو جیانکینگ از چین است.

مسی بارسلونا را ترک می‌کند

بر اساس ادعای RAC1، مهاجم بارسلونا قصد دارد تیم کاتالان را ترک کند.

به گزارش ایسنا به نقل از آ.اس، لیونل مسی پنجشنبه سفر خود را نیمه‌کاره گذاشت و به باشگاه رفت تا با رونالد کومان، سرمربی جدید بارسلونا جلسه داشته باشد. بر اساس اعلام شبکه RAC1، مهاجم آرژانتینی اعلام کرد بیش از همه خود را بیرون باشگاه می‌بیند تا درون آن. البته می‌داند شرایط اقتصادی پیچیده شده است. با این حال باشگاه بارسلونا اطمینان دارد ستاره آرژانتینی در تیم خواهد ماند و هیچ ارزیابی‌ای درباره جلسه میان کاپیتان و سرمربی نخواهد کرد.

نگاه

گشایش پرابهام

ادامه از صفحه اول

از طرفی فروش نفت خام ایران از ۲ حالت خارج نیست:

حالت نخست که مهم‌ترین بخش است صادرات نفت خام ایران و دریافت ارز صادراتی نفت است که در سال‌های اخیر به واسطه تحریم نفت ایران و وجود محدودیت‌هایی در مبادلات بانکی ایران با مشکلات شدیدی مواجه بوده است، ضمن اینکه اصولا طرح موضوعی تحت عنوان فروش اوراق سلف نفتی از سوی دولت به واسطه عدم فروش نفت ایران در بازارهای جهانی است.

حالت دوم، فروش نفت خام به پالایشگاه‌های داخلی و تبدیل آن به فرآورده‌های نفتی است؛ حال آنکه به دلیل ظرفیت محدود و مشخص پالایشگاه‌ها در کنار دولتی بودن عمده پالایشگاه‌ها، آنها نیاز چندانی به خرید نفت از صاحبان حواله‌های نفتی ندارند. با این تفاسیر یکی از مشکلات اجرای طرح اوراق سلف نفتی، آینده آن و عدم امکان فروش فیزیکی نفت در زمان سررسید آن است. به نوعی که برای پرداخت پول این نفت‌ها در سال ۱۴۰۱ یا باید امکان صادرات نفت خام ایران فراهم باشد و یا دولت بعد مجبور به استقراض سنگین از بانک مرکزی شود. فرض اول به شرط لغو تحریم‌ها و ایجاد امکان صادرات بدون دردسر نفت ایران بوده و می‌تواند در آینده به عنوان اهرمی برای پذیرش شرایط ظالمانه غرب برای لغو تحریم‌ها و خرید نفت ایران منجر شود. فرض دوم نیز دولت بعد را مجبور به استقراض از بانک مرکزی و پرداخت تعهدات دولت قبل می‌کند که رخ دادن هر ۲ فرض تبعات سنگینی در ابعاد سیاسی و اقتصادی برای کشور خواهد داشت.

۲) اگر دولت بر اجرای طرح فروش اوراق سلف نفتی تاکید و اصرار داشته و مدعی است اجرای این طرح دولت آینده را بدهکار نخواهد کرد، پیشنهاد می‌شود به جای اینکه موعد سررسید این اوراق مردادماه ۱۴۰۱ یا هر تاریخی بعد از پایان دولت دوازدهم باشد، موعد سررسید این اوراق در زمان خود دولت دوازدهم تعیین شود. اصولا خرید و فروش سلف یا حواله‌های کاغذی در دنیا چیزی بیش از ۲۰ برابر میزان واقعی و فیزیکی آن کالای رایج است و در ماهیت این کار محل هیچ اشکال یا ایرادی نیست؛ نقد اصلی به این طرح نیز اصولا بر ۲ مبنا استوار است:

نکته اول اینکه این طرح چه گشایشی در زندگی و معیشت مردم ایجاد خواهد کرد؟ و آیا عبارت «گشایش اقتصادی برای دولت»، گزاره مناسب‌تری برای نام‌گذاری این طرح نبود؟

نکته دوم اگر دولت مدعی است هدفش از اجرای این طرح صرفا تامین کسری بودجه خود نبوده یا این کمبود منابع صرفا مساله‌ای کوتاه‌مدت است و ربطی به دولت بعد نخواهد داشت، چرا عرضه این اوراق را مانند بسیاری از اوراق سلف در بورس‌های کشورهای توسعه‌یافته تحت عنوان اوراق سلف کوتاه‌مدت در مقاطع ۳ تا ۶ ماهه عرضه نمی‌کند؟

خواجه‌وند اخراج شد، تیم حقوقی پرسپولیس باقی ماند

مهدی خواجه‌وند، معاون حقوقی باشگاه پرسپولیس از سوی نهادهای نظارتی از ادامه حضور در مجموعه مدیریتی سرخپوشان کنار گذاشته شد تا به اتهاماتی که به وی منتسب شده است رسیدگی شود. با این حال تیم حقوقی باشگاه پرسپولیس تغییر نکرده است و ۴ کارمند بخش حقوقی این باشگاه همچنان پرونده‌های مرتبط با شکایت از سرخپوشان در دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی را پیگیری می‌کنند.

اتفاقات هفته پایانی طولانی‌ترین لیگ تاریخ ایران از آقای گلی شیخ تا رکورد شکنی پرسپولیس

سرانجام تمام شد

زهره فلاح زاده
خبرنگار ورزشی

لیگ نوزدهم فوتبال پس از کش‌وقوس‌های فراوان به ایستگاه پایانی رسید و سهمیه‌بگیران آسیایی و سقوط‌کننده‌ها به لیگ پایین‌تر مشخص شدند؛ لیگی که به دلیل شیوع کرونا ۱۲ ماه طول کشید و قهرمانش همان تیمی شد که در ۳ دوره قبلی جام را بالای‌سر برده بود.

پرسپولیس و قهرمانی دوباره‌اش

همه به این موضوع واقفند که حفظ قهرمانی از خود قهرمانی سخت‌تر است، چه برسد به آنکه تیمی ۳ دوره قهرمان شده است و می‌خواهد همچنان به عنوان یک مدعی و قهرمان خودش را نشان دهد. پرسپولیس که در شوک رفتن برانکو ایوانکوویچ بود، خیلی زود با گابریل کالدرون قرارداد بست و این مربی هر چند در ابتدا خوب نتیجه نگرفت اما توانست تیمش را قهرمان نیم‌فصل کند. کالدرون بین نیم‌فصل پرسپولیس را رها کرد و یحیی گل‌محمدی جایگزینش شد. لقمه حاضر و آماده برانکو و کالدرون، کار را برای گل‌محمدی راحت کرده بود و این تیم توانست باز هم یک قهرمانی دیگر را به دست آورد. پرسپولیس پس از مسجل شدن قهرمانی‌اش با نساجی مساوی کرد، به ذوب‌آهن باخت و با گل گهر به تساوی رسید و در نهایت در آخرین دیدارش مقابل سایپا به برد ۳ بر صفر دست پیدا کرد تا شاگردان گل‌محمدی بازی آخر را با برد پرگل به اتمام برسانند.

■ **نایب‌قهرمانی استقلال با فرهاد**

استقلالی‌ها که با آندرآ استراماچونی لیگ نوزدهم را شروع کردند، به صدر جدول رسیدند اما سرمربی ایتالیایی استقلال به دلیل پرداخت نشدن حقوقش فسخ یک‌طرفه کرد و رفت. رفتن استراماچونی به معنی خداحافظی با قهرمانی و دور شدن از صدر بود. با آمدن مجیدی استقلال نتایج سینوسی گرفت و اختلاف ۱۰ امتیازی بین این تیم و پرسپولیس کمتر نشد و حتی در پایان لیگ به ۱۴ امتیاز اختلاف هم رسید. البته در لیگی که تیم قهرمان چند هفته مانده به اتمام لیگ مشخص می‌شود، نایب‌قهرمان شدن و گرفتن سهمیه، اهمیت بالایی دارد؛ جایی که تیم‌های مدعی کم نبودند و تا آخرین بازی شانس دوم شدن را داشتند. استقلال توانست با کامبک زدن مقابل شاهین سقوط کرده، هم در جایگاه دوم بماند و سهمیه آسیایی‌اش را بگیرد و هم تیم مجیدی با پرگل‌ترین بازی‌اش لیگ را به پایان برساند. فرهاد مجیدی قول گرفتن سهمیه را به هوادارانش داده و اعلام کرده بود در جام حذفی هم تیمش را قهرمان می‌کند. او به وعده اولش عمل کرد، حالا باید دید با عبور از پرسپولیس در نیمه‌نهایی جام حذفی، وفای به عهد می‌کند؟

■ **سپاهان، ناکام بزرگ لیگ**

سپاهانی که با امیر قلعه‌نویی در فصل قبل تا دیدار آخر شانس قهرمان شدن داشت، در این فصل نوسانات زیادی را با مربی پرافتخار خود تجربه کرد؛ جایی که در نیم‌فصل اول بارها به صدر جدول صعود کرد و خیلی زود هم به سمت دوم شدن و سوم شدن لیز خورد.

پس از تعطیلی چند ماهه و شروع مجدد لیگ، شاگردان قلعه‌نویی از آن تیم مدعی فاصله گرفتند و نتایج ضعیف شروع شد. تا جایی که پس از ۲ باخت متوالی به استقلال (در لیگ و حذفی)، امیر قلعه‌نویی از سمت خود استعفا کرد و اصفهانی‌ها را ۲ هفته مانده به پایان لیگ تنها گذاشت. هر چند سپاهان مقابل تیم بالانشین شهرخودرو به برتری رسید اما در دیدار آخر برابر پیکان ته‌جدولی به نتیجه‌ای بهتر از تساوی دست پیدا نکرد و با تکیه زدن به رده پنجم، در گرفتن سهمیه آسیایی ناکام ماند.

■ **فولاد و کسب سهمیه آسیایی**

فولاد با جواد نکونام لیگ را شروع کرد و همواره جزو تیم‌های بالانشین جدول بود. قرمزهای اهواز توانستند مقابل تیم‌های بزرگی همچون استقلال و تراکتور به برتری برسند. شاگردان نکونام در دیدار آخر مقابل قرمزپوشان تبریزی با یک گل پیروز شدند تا با قرار گرفتن در جایگاه سوم، سهمیه غیرمستقیم آسیا را کسب کنند؛ جایگاهی که فولاد با نکونام به دست آورد، نشان می‌دهد می‌شود به جوان‌ترها هم اعتماد و از آنها حمایت کرد.

■ **تراکتور همچنان در انتظار سهمیه**

مالک تیم تراکتور باز هم در فصل نوزدهم ولخرجی کرد و در فصل نقل و انتقالات سر و صدا به پا کرد. زنوزی باز هم به دنبال مربی خارجی رفت و این بار مصطفی دنیزلی هدایت قرمزهای تبریزی را به عهده گرفت اما دنیزلی هم با نزولی شدن روند تیمش، از چشم مالک عجولش افتاد و پس از ۱۳ هفته از تراکتور کنار گذاشته شد. پس از او، احد شیخ‌لاری به طور موقت روی نیمکت نشست اما در نهایت تصمیم بر این شد که ساکت الهامی، دستیار سابق دنیزلی به عنوان سرمربی روی نیمکت تراکتور بنشیند. تیم الهامی نتوانست امتیازات زیادی جمع کند و در دیدار آخر هم با شکست مقابل فولاد، شانس سوم شدن را از دست داد و به رده چهارم جدول تکیه زد. حالا تراکتور باید در جام حذفی به فکر قهرمانی باشد تا بتواند سهمیه آسیایی را بگیرد. هر چند در صورت قهرمانی استقلال یا پرسپولیس در جام حذفی، این تیم در صورت صعود به فینال می‌تواند به صورت غیرمستقیم به مرحله پلی‌آف لیگ قهرمانان آسیا صعود کند.

■ **سقوط بوشهری‌ها به لیگ یک**

داشتن ۲ نماینده از بوشهر در لیگ برتر برای هواداران فوتبال این استان خوش‌یمن نبود. پارس‌جنوبی جم با شکست مقابل نفت مسجدسلیمان دستان شاهین را برای رفتن به لیگ یک گرفت تا همشهری‌اش را در مسیر سقوط تنها نگذارد. به این ترتیب هر دو تیم با لیگ برتر وداع کردند.

■ **آقای گلی شیخ دیاباته**

شیخ دیاباته با زدن ۲ گل در دیدار آخر مقابل شاهین بوشهر، با ۱۵ گل به تنهایی عنوان گلزن‌ترین بازیکن لیگ نوزدهم را به دست آورد. شیخ آبی‌ها حالا با این درخشش به بهترین گلزن خارجی تاریخ باشگاهش تبدیل شده و باید دید در فصل بیستم هم استقلال را همراهی می‌کند یا خیر. دیاباته یک سال دیگر قرارداد دارد اما او هنوز تصمیمی برای ماندن یا رفتن نگرفته است. هواداران استقلال نگرانند که نکند شیخ آنها به سرنوشت تیام‌ها و پاتوسی‌ها دچار شود. آنها گلزن‌ترین بازیکن خارجی‌شان را برای فصل آینده می‌خواهند.

■ **قائدی و جهانی، بهترین پاسورهای لیگ**

بازیکن جوان استقلال در هفته‌های اخیر با پاس گل‌هایش توانست بازیکنان تیمش را به گل برساند. قائدی در کنار میلاد جهانی، هافبک صنعت‌نفت آبادان، با ۸ پاس گل به عنوان بهترین پاسور لیگ نوزدهم معرفی شد.

■ **قائدی، پدیده لیگ**

مهدی قائدی پیش از تعطیلی لیگ و ویروسی شدن ایران به بیماری کرونا با ۹ گل و ۶ پاس گل، بهترین پاسور و گلزن استقلال بود. او که پیراهن شماره ۱۰ استقلال را بر تن کرده بود، قول ۱۰ گل زده در لیگ را داده بود که به این مهم سرانجام در ایستگاه آخر لیگ رسید. بدون شک مهدی قائدی مؤثرترین بازیکن استقلال در این فصل بوده و با توجه به سن کمی که دارد، می‌تواند به عنوان پدیده لیگ نوزدهم معرفی شود.

■ **نیازمند، دروازه‌بانی با بیشترین کلین‌شیت**

سید پیام نیازمند، دروازه‌بان سپاهان هر چند نسبت به علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان سابق پرسپولیس گل بیشتری دریافت کرد اما با ۱۷ کلین‌شیت، آمار قابل توجهی در کارنامه خود به ثبت رساند. نیازمند یک فصل دیگر با سپاهان قرارداد دارد و باید دید با این نمایش خوب همچنان در اصفهان می‌ماند یا به یکی از تیم‌های بزرگ لیگ می‌پیوندد.

■ **بهترین و بدترین تیم‌های دفاعی لیگ**

داشتن بهترین خط دفاعی می‌تواند یک تیم را قهرمان و نداشتنش تیمی را به لیگ پایین‌تر رهسپار کند. تیم پرسپولیس با ۱۷ گل خورده بهترین خط دفاعی را از آن خود کرده و یکی از دلایل قهرمانی‌اش بدون شک داشتن دفاع مستحکم و راه ندادن به مهاجمان حریفان بوده است. بدترین خط دفاعی هم متعلق به تیم سقوط‌کرده شاهین بوشهر است؛ تیمی که ۵۷ بار دروازه‌اش باز شد و باخت‌های پرگل را در کارنامه‌اش ثبت کرد.

■ **بهترین و بدترین خط حمله لیگ**

تیم استقلال اگر چه با ۱۴ امتیاز اختلاف دوم شد اما با ۵۵ گل زده عنوان بهترین خط حمله لیگ را کسب کرد. آبی‌های پایتخت ۹ گل بیشتر از قهرمان به ثمر رساندند اما برای قهرمان شدن نمی‌توان تنها به این فاکتور اکتفا کرد. بدترین خط حمله لیگ نوزدهم را تیم پارس‌جنوبی رده پانزدهمی در اختیار داشت؛ تیمی که در ۳۰ دیدار، تنها ۲۰ گل به ثمر رساند. آنها ۶ گل کمتر از تیم شانزدهم لیگ زدند.

[سال بد فوتبال بوشهر با ۲ سقوط]

پارس‌جنوبی و شاهین بوشهر ۲ نماینده فوتبال بوشهر در لیگ برتر فوتبال با سقوط به لیگ دسته اول، سال سیاهی را برای فوتبال استان بوشهر رقم زدند. نوزدهمین دوره مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران پنجشنبه‌شب به پایان رسید. در پایان این رقابت‌ها، پرسپولیس به عنوان قهرمان معرفی و استقلال و فولاد خوزستان هم صاحب سهمیه آسیایی شدند. در پایین جدول هم تیم‌های شاهین شهرداری بوشهر و پارس‌جنوبی جم در رقابت با دیگر تیم‌های انتهای جدول ناکام ماندند و به لیگ دسته اول سقوط کردند. تاملی در وضعیت شاهین و پارس نشان می‌دهد تغییرات بی‌رویه در این دو باشگاه و انتخاب‌های غلط باعث شد استان بوشهر بعد از چند سال از داشتن نماینده در لیگ برتر فوتبال محروم شود و سال سیاه فوتبالی را تجربه کند. تیم پارس سال ۱۳۹۶ با مهدی تارتار به لیگ برتر صعود کرده بود و طی ۲ فصل گذشته به یکی از تیم‌های قابل احترام در لیگ برتر تبدیل شد. این تیم فصل جاری کارش را با فراز کمالوند به عنوان سرمربی آغاز کرد ولی در ادامه، کمالوند از پارس جدا شد. بعد از انتخاب مربیان موقت، هومن افاضلی هدایت پارسی‌ها را بر عهده گرفت و در نهایت هم سیروس پورموسوی روی نیمکت این تیم نشست. انتخاب ۳ سرمربی برای یک فصل و بعضی تغییرات مدیریتی نتیجه‌ای را برای پارس رقم زد که شاید حاصل آن حسرت و ندامت برای مسببانش باشد. تیم شاهین‌شهرداری بوشهر هم فصل عجیبی را سپری کرد. این تیم که فصل گذشته جواز حضور در لیگ برتر را با عبدالله ویسی کسب کرده بود، با همین مربی در لیگ برتر حاضر شد. ویسی در ادامه لیگ به خاطر آنچه دخالت مدیران شهر بوشهر در کارش عنوان کرد، از شاهین جدا شد. شاهینی‌ها در ادامه سراغ «کریستیچوویچ» سرمربی کروات رفتند و عجیب اینجا بود که با این مربی متحول شدند و نتایج خیره‌کننده‌ای گرفتند. شیوع کرونا و تعطیلی لیگ باعث شد این مربی کروات که به کشورش رفته بود، حاضر به بازگشت به ایران نشود. شاید کرونا بیش از هر تیمی، به شاهین لطمه زد که هم روند خوبش را قطع کرد و هم سرمربی‌اش را از این تیم گرفت. مهرداد کریمیان و سپس مهدی پاشازاده دیگر مربیان شاهین بودند که آنها هم نتوانستند جلوی سقوط آزاد شاهین را بگیرند. مقایسه شرایط فوتبال با استعداد بوشهر با دیگر استان‌ها از جمله فوتبال خوزستان (با حفظ ۳ سهمیه خود در لیگ برتر و حتی گرفتن سهمیه لیگ قهرمانان آسیا توسط فولاد)، فوتبال آذربایجان شرقی، فوتبال اصفهان و فوتبال کرمان (هر کدام با ۲ نماینده در لیگ برتر) شاید برای مسؤولان بوشهری تلنگری باشد تا دوباره عزم خود را برای صعود به لیگ برتر جزم کنند.

بی اعتنایی کوهنوردان ایرانی به پروتکل‌های بهداشتی

صعود از کرونا

کوهنوردی

امیررضا امیری‌نژاد: روز پنجشنبه در حالی که اعلام شده بود صعود به دماوند به خاطر وضعیت قرمز کرونا ممنوع است، تعداد زیادی کوهنورد بدون توجه به پروتکل‌های بهداشتی، اقدام به صعود کردند و هیچ نهادی هم اقدامی جدی برای جلوگیری از این وضعیت نمی‌کند. با توجه به شیوع موج جدید کرونا، بسیاری از فعالیت‌های ورزشی لغو شده است. حتی باشگاه‌های ورزشی که مدتی فعالیت خود را آغاز کرده بودند، به دلیل شیوع مجدد بیماری در شهرهای قرمز تعطیل شدند اما به نظر می‌رسد کوهنوردان کرونا را جدی نگرفته‌اند! هفته گذشته حدود ۳ هزار نفر به دماوند و در شرایط قرمز صعود کرده بودند. این صعود در حالی انجام شد که فدراسیون کوهنوردی اعلام کرده بود پناهگاه‌های خود را تعطیل کرده است اما فاجعه دیگر، روز (پنجشنبه) در دماوند رخ داد. این کوه زیبا با توجه به اینکه باز هم فدراسیون کوهنوردی اعلام کرده بود پناهگاهایش هیچ‌گونه خدماتی را ارائه نمی‌دهد، مملو از جمعیت بود! عکس‌ها و فیلم‌های منتشر شده نشان می‌دهد هیچ نظارتی بر صعودها وجود ندارد. در حالی که کادر درمان در شرایط بسیار سختی به سر می‌برد، به نظر می‌رسد اینگونه صعودها باعث شیوع بیشتر کرونا خواهد شد. فدراسیون کوهنوردی به عنوان متولی صعودهای ورزشی باید جلوی این تجمعات را بگیرد. البته فدراسیون روز چهارشنبه طی اعلامیه‌ای اعلام کرد هیچ‌گونه خدماتی به کوهنوردان در پناهگاه‌ها داده نمی‌شود اما نکته‌ای که بسیار به چشم آمد، نپذیرفتن مسؤولیت تجمعات توسط این فدراسیون بود و حتی فدراسیون کوهنوردی توپ را به زمین شهرداری رینه انداخت و آنها را مسؤول این اتفاق دانست. در اطلاعیه فدراسیون کوهنوردی آمده است: «نظر به اعلام ممنوعیت تردد در صعود به قله دماوند توسط بخشداری لاریجان و به رغم نادیده گرفتن درخواست مذکور توسط شهرداری و شورای شهر رینه، پناهگاه‌های فدراسیون از ارائه خدمات به کوهنوردان گرامی معذور است». حتی فدراسیون کوهنوردی اعلام کرد مسؤولیت هرگونه رخداد ناشی از نادیده گرفتن بیماری کرونا بر عهده نهادهای متخلف است. با این وضعیت و عدم قاطعیت فدراسیون در بیانیه‌هایش انتظار چنین جمعیتی را می‌توانستیم داشته باشیم. حتی در این اطلاعیه مسؤولیت شیوع کرونا بر عهده نهادهای مختلف گذاشته شده است! باید دید فدراسیون کوهنوردی منظورش از نهادهای مختلف دقیقا چه نهادهایی است و مسؤولیت این اتفاقات با کیست؟ اولین و جدی‌ترین اقدام برای جلوگیری از صعود به دماوند می‌تواند مسدود کردن جاده‌های منتهی به دامنه کوه باشد اما آیا فدراسیون و سایر نهادها درخواستی از نیروی انتظامی منطقه برای انجام چنین کاری داشته‌اند یا تنها در حد یک بیانیه مسؤولیت را از شانه خود برداشته‌اند؟

امید است همین نهادهای مختلف که واقعا مشخص نیست «که» یا «چه» هستند، به این موضوع ورود کرده و با کمک فدراسیون کوهنوردی از تجمع زیاد افراد جلوگیری کنند. همچنین به نظر می‌رسد باید خود کوهنوردان هم بیشتر رعایت کنند تا از گسترش ویروس کرونا جلوگیری کنند.

فرار به سوی پایان

تاریخ

ادامه از صفحه اول

سابقا تحویل‌شان نمی‌گرفت (دموکرات و کومله) تا بلکه بتواند پناهگاهی برای اعضای سازمان در مناطق کردنشین ایران و عراق دست و پا کند. همزمان ترورهای کور نیز در شهرهای کشور انجام می‌شد. در همین احوال، کشف اجساد پاسداران شکنجه و زنده به گورشده در ۲۳ مردادماه و انتشار تصاویر آنان در رسانه‌ها، بر نفرت عمومی از سازمان منافقین دامن زد و عزمی ملی برای پایان دادن به این توحش خونبار، در افکار عمومی شکل گرفت. حدود ۲ ماه بعد، دادستانی انقلاب اسلامی با هدایت شهید «سیداسدالله لاجوردی»، با همکاری کمیته‌های انقلاب، عملیاتی امنیتی موسوم به «مالک و مستاجر» را طراحی کرده و به اجرا گذاشتند. طبق این برنامه، تمام شهروندانی که خانه‌ای به اجاره داده یا قصد آن را داشتند، باید به همراه مستاجر خود، به کمیته انقلاب محل (مستقر در اکثر مساجد شهر) مراجعه کرده و ضمن معرفی خود، فرم‌هایی را پر می‌کردند. هر گونه اسباب‌کشی و فروش یکجای لوازم منزل نیز باید با اطلاع کمیته‌ها صورت می‌گرفت. این عملیات که به مدت ۳ ماه در سراسر کشور، با قاطعیت اجرا شد، شناسایی صدها خانه تیمی باقیمانده منافقین را هدف‌گذاری کرده بود که غالبا اجاره‌ای بود. نتایج این طرح نه چندان پیچیده، خیره‌کننده بود. خانه‌های تیمی یک به یک شناسایی می‌شد. تعداد زیادی از اعضای سازمان که برای پرهیز از مواجهه با صاحب‌خانه‌ها، شب‌ها در خیابان تردد می‌کردند دستگیر شدند و عده زیادی نیز مطابق دستور سازمان، از محل استقرار خود متواری شده و راه فرار به پاکستان، کردستان عراق و ترکیه را در پیش گرفتند.

این هرج و مرج سازمانی شاید به چشم مردم نمی‌آمد اما تحت رصد دقیق و مستمر واحدهای تعقیب و مراقبت سپاه قرار داشت که حدود یک سال بود در گوشه‌گوشه کشور، به کمین «رجوی‌چی»ها نشسته بودند. به همین دلیل، بخش عمده‌ای از نیروهای امنیتی سپاه، خود را به گلوگاه‌های خروجی کشور رسانده و برای دستگیری هزاران تروریستی که به ناگهان قصد خروج از کشور را کرده بودند، وارد عمل شدند که دستاورد زیادی هم داشت. طلایی‌ترین شکار این نیروها، مهران اصدقی، فرمانده نظامی اول سازمان در تهران بود که قصد فرار به ترکیه را داشت و در ارتفاعات مرند دستگیر شد (او که از مجریان اصلی «عملیات مهندسی» بود، پس از دستگیری، جزئیات کابوس‌وار این جنایات را افشا کرد). این گونه بود که طرح «مالک و مستاجر» حقیقتا حکم تیر خلاص را پیدا کرد و به این ترتیب یک سال بعد از ضربه ۱۹ بهمن ۶۱ به مرکزیت سازمان در کشور و پس از آنکه «علی زرکش»، خط «اگر روزی ۳۰ ترور انجام دهیم، رژیم سقوط می‌کند» را به اعضا ابلاغ کرد، ماشین ترور تقریبا متوقف شد (به جز سالی چند عملیات انگشت‌شمار) و جولان مرگبار ۳۰ هزار عضو مسلح سازمان مجاهدین خلق در داخل کشور، به پایان رسید. رقص قدرت بنی‌صدر و رجوی، علاوه بر شهادت مظلومانه هزاران تن از مردم و نیروهای فعال اجتماعی، سیاسی و نظامی در کوچه و خیابان و خانه‌های‌شان، یک نتیجه هولناک دیگر نیز به بار آورده بود. تعداد قابل توجهی از نیروهای فعال کشور در حدفاصل سنی ۱۷ تا ۲۵ سال، تحت تربیت مسعود رجوی و موسی خیابانی، یه توده متراکمی از عقده تبدیل شده بودند. جوانانی که با وعده‌ها و القائات مرکزیت سازمان، خود را بزرگ‌ترین مجاهدان و ایثارگران تاریخ خلق(!) می‌شمردند که بزودی روی دست‌های مردم (نظیر آنچه در ۱۲ بهمن ۵۷ رخ داد) بر اریکه قدرت خواهند نشست اما علاوه بر آنکه چنین رویکردی را نمی‌دیدند، با عدم همراهی و تنفر عمومی مواجه بودند و ناگزیر باید ماه‌ها از بیم دستگیری، خود را در خانه‌های تیمی یا جنگل و کوهستان حبس کرده و با هزاران ترفند و دروغ، از جلب توجه مردم اجتناب می‌کردند. همین تعارض حقیقت با افق‌نمایی‌های تخیلی سازمان و شکست‌های پی در پی در جنگ با نظامی که دائما ادعا می‌شد تا چند ماه دیگر کارش تمام است، نیروهای سازمان را به جامعه‌ستیزانی کینه‌توز و جلادانی قهار تبدیل کرده بود که کشور در تاریخ ثبت‌شده خود، نمونه آنها را سراغ نداشت. برای مثال، در میان افراد دستگیرشده، امثال عضوی که بتازگی ۲۰ سال خود را تمام کرده بود و سابقه ۴۲ فقره عملیات ترور و خرابکاری در کارنامه خود داشت و ۱۰ نفر را به قتل رسانده بود کم نبودند، یا پسری زیر ۱۸ سال که به ۴ عملیات ترور موفق اعتراف کرده بود یا مجریان «عملیات مهندسی» که همه جوان و کم‌سن و سال بودند. بخشی از این قبیل افراد خوش‌اقبال بودند و شناسایی نشدند و تعداد قابل توجهی از آنان هم موفق به گریز از کشور شدند.

* تاریخ‌نگار و پژوهشگر